

سید قطب؛ فریادگر احیای عظمت اسلام



حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#): یکی از چهره های شاخص پیشگامان بیداری اسلامی و فریادگر احیای عظمت اسلام که شهره اسلام خواهیش از مرزهای جغرافیائی کشورش فراتر رفت؛ شهید سید قطب است تا آنجا که در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند ایران، افغانستان، پاکستان، مصر، ترکیه و ... می توان تاثیرگذاری افکار و نظریات سید قطب را به وضوح مشاهده کرد. در دهه سی و چهل شمسی در ایران، ترجمه کتابهای سید قطب بود که خوراک فکری انقلابیون بویژه طلاب جوان در شناخت اهداف و روشهای استعماری و مارکسیستی فراهم می کرد. و در افغانستان مجاهدین افغان با خواندن آنها خشم شعله‌ور خود را بر پیکره کمونیسم خالی کردند.

امروزه نیز از مصر و الجزایر و تونس گرفته تا ترکیه و ایران و افغانستان، آثار سید قطب پشتوانه فکری مدافعان حکومت دینی بر مبنای احکام الهی است. چراکه او مرزها را مانع وحدت جهان اسلام

می‌دانست و معتقد بود پیشرفت و پیروزی مسلمانان در هر کجا زمین‌های است برای ایجاد حکومت جهانی اسلام، و نامه سید قطب به آیت‌الله کاشانی به مناسبت ملی شدن صنعت نفت نیز در همین راستاست. سید در این نامه نکات بسیار مهمی را بیان می‌کند. به اعتقاد او، نهضت ملی شدن صنعت نفت «ملی» نیست؛ بلکه نهضتی اسلامی به رهبری یک روحانی است. وی در بخشی از این نامه آورده است: «استعمار غربی می‌داند که اگر میهن اسلامی یکپارچه شود، چه موقعیت استوار نظامی، سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت. امپریالیسم از منابع مادی و انسانی فراوانی که جهان اسلام می‌تواند فراهم بیاورد به خوبی آگاه است. برای استعمار کاملاً عیان است که وقتی صد میلیون نفر زیر یک پرچم و در سایه عقیده‌های واحد و نظام اجتماعی واحد گرد هم بیایند، کفه ترازو به نفع اینها سنگین خواهد شد».

سید قطب تأکید کرده است: «کمونیسم بوسیله بوقهای خود هشدار داده و همواره سعی می‌کند از ارزشهای اندیشه اسلامی بکاهد و وانمود کند که زمینه عملی برای ایجاد آن وجود ندارد. در این راستا گام به گام سرمایه‌داری را همراهی می‌کند اما در میان تمام این دشمنیها و تجاوزها، فریاد مشترک از گوشه و کنار جهان اسلام برخاسته است که خواستار اتحاد مسلمانان برای ایجاد حکومت

واحد اسلامی است» .

آنچه جالب توجه است نزدیکی نظریات سید قطب با امام خمینی(ره) است که اشتراکاتی در موضوعاتی چون غرب، آمریکا، صهیونیسم و رمز موفقیت مسلمین دارند.

1) تولد در خانواده‌های انقلابی و بیدار

سید قطب در سال 1906 میلادی در روستای «موشه» از توابع استان اسیوط مصر که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است، دیده به جهان گشود. پدرش حاج ابراهیم از معتمدین منطقه و روستا بود که از نظر سیاسی عضو حزب اللوای مصر و منزلش مرکز امور سیاسی روستا بود. در جریان انقلاب 1919 میلادی در مصر، اجتماعات علنی و سری تشکیل داد و راه انقلاب را به مردم مدینه آموخت. حاجی قطب ابراهیم دوبار ازدواج کرد که حاصل ازدواج اول یک دختر و حاصل ازدواج دوم سه دختر و دو پسر بود که همگی به نوعی با دولت وقت درگیر شدند و همه آنها طعم تلخ زندان را چشیدند. هنگامی که سید قطب به جرم اسلام خواهی، به زندان افتاد، خواهرش نفیسه و خواهرزاده‌هایش رفعت و عزمی نیز دستگیر و روانه زندان شده، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. پس از مدتی نفیسه آزاد شد؛ ولی فرزندان نفیسه یعنی رفعت و عزمی در زندان ماندند. دولت از رفعت

خواست ضد داید. اش سید قطب شهادت بدهد تا آزاد شود؛ ولی او نپذیرفت و زیر شکنجه‌های شدید مأموران زندان شهید شد؛ ولی عزمی پس از مدتی رهایی یافت (خالدی، ص 42).

خواهران دیگر سید به نامهای آمینه و حمیده و همچنین برادرش محمد قطب سرنوشتی شبیه آنها داشتند. محمد قطب که در سال 1919 میلادی چشم به جهان گشود و به دلیل مبارزات سیاسی و دوران حبس، در پنجاه سالگی ازدواج کرد، وی به عربستان عزیمت کرد و به کار تحقیق و تألیف اشتغال دارد.

مادر سید قطب، زنی پاکدامن و از خاندانی بلند مرتبه بود و قبل از ازدواج با حاج ابراهیم در قاهره زندگی می‌کرد. دو تن از برادرانش در دانشگاه الأزهر مصر تدریس می‌کردند. از خصوصیات مادرش این بود که استماع قرآن را بسیار دوست می‌داشت و پسرش سید قطب را به این نیت به مدرسه فرستاد تا قرآن بیاموزد و برای مادر تلاوت کند. مادر سید قطب در سال 1940 میلادی در روستای موشه درگذشت.

(2) دوران کودکی

پس از گذراندن دوران کودکی، سید در سال 1912 میلادی به مدرسه

رفت. سید در سال دوم ابتدایی مشغول تحصیل بود که تصمیم گرفت هم درس بخواند و هم قرآن حفظ کند و در نتیجه، در سال دوم ابتدایی حفظ قرآن را آغاز کرد و در سال چهارم ابتدایی یعنی در ده سالگی حافظ کل قرآن کریم شد. وی به کتاب و کتابخوانی بسیار علاقه داشت؛ به طوری که بین مردم روستا به این صفت معروف شده بود.

3) دوران جوانی و دانشجویی

سید قطب به مدت دو سال به سبب اوضاع آشفته داخلی نتوانست تحصیلات خود را ادامه دهد؛ اما در سال 1920 میلادی برای ادامه تحصیل به قاهره سفر کرد و در منزل دایم‌باش، احمد حسین عثمان سکونت گزید. حدود 16 سالگی وارد دانشسرای عبدالعزیز قاهره شد. او بعد از اتمام دوره دانشسرا به استخدام وزارت تعلیم و تربیت درآمد و بعد آن دوران دانشجویی را تجربه کرد. او زمانی دانشجوی دانشگاه دارالعلوم بود که ریاست دانشگاه را دکتر طه حسین به عهده داشت. در سال سوم دوره دانشجویی، کنفرانسی به وسیله ریاست دانشگاه ترتیب داده شد تا سید در آن سخنرانی کند. او با مقاله‌ای تحت عنوان «مهمه الشاعر فی الحیاه، شعر الجیل الحاضر» همگان را به شگفتی واداشت.

وی در زمان دانشجویی بسیار با نشاط و آگاه بود و با شجاعت از

اوضاع علمی و فرهنگی دانشگاه انتقاد مدّ کرد. سید در 1932 میلادی با مدرک لیسانس در رشته ادبیات عرب، از دانشکده دارالعلوم فارغ التحصیل شد و همان سال در تشکیل جماعتی به نام جماعت دارالعلوم مشارکت کرد. هدف این جمعیت که از بین فارغ‌التحصیلان دارالعلوم انتخاب مدّ شدند، دفاع از ادب و لغت عربی بود که به همین مناسبت مجله‌های به نام «دارالعلوم» منتشر مدّ کرد. سید علاوه بر امر تدریس در مدارس مختلف مصر، به ترتیب در بخشهای روابط عمومی، آمار، بازرس مدارس ابتدایی وزارت تعلیم و تربیت مشغول فعالیت بود.

(4) فعالیت‌های مطبوعاتی

سید هم‌زمان با دوران دانشجویی وارد دنیای مطبوعات شد. نخستین مقاله وی در 16 سالگی در مجله «صحیفه بلاغ» در سال 1922 میلادی چاپ شد. وی ابتدا با نشریات معروفی چون البلاغ، البلاغ الاسبوعی، الجهاد، الاهرام، و غیره همکاری مدّ کرد و مرتب برای این نشریات مقاله مدّ نوشت. سید قطب در چهل سالگی هم‌زمان با آغاز تفکر درباره حرکت اسلامی و انقلابی با نشریاتی چون الکتاب المصری، الکتاب السوادی، الشؤون الاجتماعیه و غیره همکاری داشت. پس از چند سال در مجله «اللواء الجدید» نیز که شاخه جوانان حزب وطنی مصر آن را چاپ مدّ کرد، مقاله نوشت؛ اما پس از اندک زمانی به

علت انتقاد شدید سید از استعمار و اتهام همکاری دولت با آنان، تعطیل شد. وی پس از تعطیلی مجله اللواء الجديد، دست از مبارزه نکشید و در جایگاه سردبیر و نویسنده مجله «الدعوه» کار خود را ادامه داد. مقالات وی در این نشریه، دعوت از مردم برای انقلاب، تشکیل حکومت اسلامی و تغییر حاکمیت بود؛ اما این مجله را نیز پس از مدتی رژیم مصر تعطیل کرد. سید باز هم ناامید نشد و با همکاری یوسف شماته، نشریه‌ای به نام «العالم العربی» را منتشر ساخت. یوسف شماته در جایگاه مدیر مسئول و سید قطب در مقام سردبیر مشغول فعالیت شدند (سید قطب از ولادت تا شهادت، خالدی، ص 103). وی همچنین در سال 1948 میلادی با همکاری جمعیت اخوان المسلمین، مجله «الفکر الجديد» را تأسیس کرد و در این مجله نیز طرفداری از اصلاحات و تغییر حاکمیت موجود را جزو اهداف خود قرار داد. مقالات سید در این مجله از تندترین و در عین حال قوی‌ترین مقالات به شمار می‌رود. با ادامه موضع انقلابی در مقالات سید، این نشریه هم تعطیل شد.

در سال 1954 جمعیت اخوان المسلمین مجله‌ای به نام «اخوان المسلمین» چاپ کرد و سید قطب را در جایگاه رئیس هیئت تحریریه آن برگزید. سید در این هفته‌نامه افکار اسلامی و انقلابی خود را بیش از گذشته منتشر می‌کرد؛ از این‌رو پس از چاپ دوازده

شماره در تاریخ 6 ذی‌الحجه 1373 از انتشار آن جلوگیری شد و این
واپسین فعالیت مطبوعاتی سید قطب به شمار مدبرفت؛ زیرا در همین
سال دستگیر و روانه زندان شد.

سید قطب در طول حیات 25ساله مطبوعاتی خود، 455 مقاله و قصیده
در مجلات و روزنامه‌های گوناگون مصر چاپ کرد (همان، ص109).

(5) دوران مبارزه و تبعید

وجه تمایز آثارش، انتقادات شدید او به هیئت حاکمه مصر و سران
غرب زده بود که سرانجام به تعطیلی نشریاتی می‌انجامید که وی در
آنها فعالیت می‌کرد. پس از آن، خود، نشریه العالم العربی را
راه انداخت. سید در نشریه العالم العربی بر خلاف همه نشریات
مصری که تاریخ روز را به میلادی درج مد‌کردند، بر اساس تاریخ
هجری قمری مد‌نوشت. دولت مصر که از فعالیت مطبوعاتی وی نگران
بود و برخورد مستقیم با او را به صلاح نمی‌دید، به بهانه
تحقیقات وی را به آمریکا فرستاد تا شاید تحت تأثیر محیط آنجا
اندکی تغییر کند. می‌توان برای این تصمیم دو دلیل پنداشت: 1.
دور نگه داشتن سید از فضای علمی و فرهنگی مصر 2. تأثیر پذیرفتن
از فضای فکری و فرهنگی غرب. وی در سال 1948 میلادی سفرش به
آمریکا را آغاز کرد. پس از ورود به نیویورک به انجام مأموریت

محوه پرداخت و هر روز به مدارس امریکا مدرفت و از نحوه آموزش در آنجا اطلاعاتی کسب مدکرد. او حدود دو سال در امریکا اقامت داشت و در این مدت به این نتیجه رسید که امریکا مدخواهد از سلطه انگلیس بر دنیا بکاهد و خود، استعمار کشورهای عربی و اسلامی را ادامه دهد؛ بدین سبب تصمیم گرفت هنگام بازگشت به مصر با نوشتن مقاله، به مردم به ویژه نسل جوان آگاهی بخشد و طرح امریکا را آشکار سازد.

وی پس از بازگشت از امریکا، در جایگاه دستیار دفتر وزیر تعلیم و معارف مصر، مشغول کار شد. سفر به امریکا نه تنها او را از اهداف و آرمانهایش دور نکرد، بلکه مصمم شد با استعمار بجنگد؛ اما چون نبرد فرهنگی را از درون حکومت مقدور ندید، در 1952 میلادی استعفا نامه خود را تقدیم وزارت کرد و اعلام داشت دیگر حاضر به همکاری با آنها نیست. تا دو سال استعفای او مورد قبول واقع نشد؛ ولی سرانجام در اوایل سال 1954 با استعفای وی موافقت شد (همان، ص88).

(6) تکامل فکری

از کسانی که بر اندیشه‌های سید قطب مؤثر بودند و سهمی در اندیشه‌های او داشتند، می‌توان به محمود عقاد، حسن البنا و ابو

الأعلى مودودی نام برد.

اینکه چه شد که سید قطب از یک اصلاح-طلب سکولار به یک اسلام-گرای سنتی مبدل شد خود جای بحث دارد، اما در این باره نظریات گوناگونی وجود دارد. یکی از نظریه‌های عمده این است که طی سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ که در زندان به سر می‌برد و شاهد شکنجه و جنایات زیادی علیه اخوان-المسلمین بود، به این نتیجه رسید که جز با یک حکومت پای‌بند به قوانین شرع نمی‌توان جلو چنین ظلم‌هایی را گرفت. نظریه دیگر این است که تجربیات وی در آمریکا از یک سو و از سوی دیگر سیاست‌های ناصر به اندازه کافی ضد غربی نبودند لذا باعث شد تا او افسون قدرتمند و خطرناک جاهلیت (که در نظر او خطر جدی یک ذهنیت سکولار بود) را احساس کند. سرانجام، قطب نظریه خودش را در «معالم فی الطریق» مطرح کرد، او ادعا می‌کند تا زمانی که از قوانین شریعت به عنوان یک سیستم جامع برای تمام جنبه‌های زندگی پیروی کنیم، هیچ چیز غیراسلامی ناجور و فاسدی وجود نخواهد داشت و انسانیت از تمام مواهب برخوردار خواهد شد، از آرامش شخصی و اجتماعی گرفته تا «گنجینه‌های» نهفته در جهان.

در اواخر عمر، سید قطب تجربیات شخصی و پیشرفتهای نظری‌اش را در بدنه باورهای مذهبی و سیاسی‌اش ترکیب کرد و در «معالم

فی‌الطریق» منتشر کرد. این کتاب خلاصه‌ای از دیدگاه‌های کلی قطب درباره سیستم اسلامی است. در ضمن در این کتاب قطب آشکارا حکومت سکولاری مثل رژیم عبدالناصر که مشروعیتش را بر مبنای خواست و رضایت انسا‌نها قرار داده بود، محکوم کرده‌است. این اثر بیش از دیگر آثار سید شخصیت تکامل یافته و شکل گرفته وی را به عنوان رهبر اسلام‌گرایان افراطی در قرن بیستم نشان می‌دهد.

(7) دیدگاه‌های سیاسی

ابتدا به بعضی از مهمترین اندیشه‌های سید اشاره می‌کنیم. بعضی از باورهای وی در مبحث اتحاد میان کشورهای اسلامی و موضوع حکومت اسلامی از این قرار است: وی معتقد بود که اگر چنان چه دولتی به یکی از کشورهای اسلامی حمله کند، دیگر کشورهای اسلامی موظفند که کشور متخاصم را تحریم اقتصادی و سیاسی کنند و روابط اقتصادی خود را آن کشور قطع کنند. وی به شدت با فرهنگ غربی و غرب‌زدگی مخالف بود و معتقد بود که برای عزتمندی و پیشرفت بایستی به اندیشه‌های ناب اسلامی رجوع کرد. در نظر سید، اسلامی که در آن روزگار عرضه می‌شد، نه اسلام حقیقی؛ بلکه اسلام جعلی است، که سید از این اسلام جعلی به اسلام آمریکایی تعبیر می‌کند. جالب توجه است که لفظ اسلام آمریکایی برای اولین‌بار توسط خود سید به کار گرفته شد. سید هم‌چنین نسبت به یهود و صهیونیسم بدگمان بود و

آنان را مایه انحطاط جوامع اسلامی میدانست. یکی از آموزه‌های که سید بر آن تأکید داشت بحث جهاد بود. وی معتقد بود چنان چه کشوری از طریق گفتگو دست از ستمگری بر ندارد، باید با جهاد -مسلحانه آن را تسلیم کرد. از دیگر اندیشه‌های خاص سید قطب می‌توان انتقادهای وی به بعضی از خلفای صدر اسلام به ویژه بنی‌امیه اشاره کرد.

سید قطب قائل به حاکمیت اسلام بود؛ حاکمیتی که در آن قوانین، مبتنی بر شرع اسلام باشد. وی برداشت متفکرین و روشنفکران اسلامی که سعی در تطبیق اندیشه‌های غربی حاکمیت همچون دموکراسی و اسلام را دارند؛ قبول ندارد و برداشت دموکراتیک که روشنفکران از بحث شورا (که در قرآن بر آن تأکید شده است (شورا، 38)) دارند را نمی‌پذیرد. او بیان می‌دارد که خطاب قرآن در موضوع شورا تنها به حاکم است؛ تا با برخی از مشاوران مشورت کند و این ربطی به انتخابات و نوع حکومت ندارد.

قطب خودش را یک مسلمان پیش‌تاز می‌دید که باید با دو روش با جاهلیت مبارزه کند؛ یکی تبلیغ کردن و دیگری براندازی سازمانها و قدرتهای سیستمهای جاهلی از طریق «قدرت فیزیکی و جهاد». جنبش پیشرو باید رشد کند تا یک جامعه حقیقتاً اسلامی را تشکیل بدهد و سپس آن را به سراسر سرزمینهای اسلامی گسترش دهد و در نهایت تمام

جهان را در بر بگیرد.

قطب تأکید می‌کند که این مبارزه آسان نیست. اسلام حقیقی تمام جنبه‌های زندگی را دگرگون خواهد کرد و هر چیز غیر اسلامی را از میان خواهد برد. مسلمانان غیرواقعی، یهودیان و غربیهایی که جاهلی هستند همه مبارزه خواهند کرد و هم‌پیمان می‌شوند تا نگذارند جاهلیت از بین برود. مسلمانان واقعی می‌توانند مشتاقانه به استقبال «فقر، مشقت، ناامیدی، عذاب و فداکاری» بروند.

سید، اسلام را یگانه دین‌رهایی بخش از مشکلات جوامع بشری می‌دانست و معتقد بود هیچ نظامی غیر از نظام اسلام نمی‌تواند سعادت بشری را فراهم کند. وی همچنین معتقد است آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. در این باره می‌نویسد: «شکی نیست علی‌رغم این دشمنیها و کارشکنیها، آینده در قلمرو اسلام است و ما اینک جهادی طولانی، دشوار و پرخطر داریم. این جهاد برای نجات فطرت از لابلای انبوه ابرهای تیره و پیروز ساختن آن بر تیرگیهاست. باید برای این جهاد مجهز شویم و قوای فراوان آماده سازیم. تجهیزات لازم برای این جهاد فقط یک چیز است: آشنایی کامل با حقایق اسلام و فراگرفتن دین در سطح عالی آن».

سید غرب و فرهنگ آن را نفی می‌کرد. وی همانند دیگر متفکران متعهد جهان اسلام مانند سید جما-لال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و ... به شدت با فرهنگ غرب مخالفت می‌کرد و از اندیشه و اخلاق غربی انتقاد می‌نمود. سید مقال‌های به نام «عود الی الشرق» به چاپ رساند و در آن فرهنگ غرب را فرهنگی حیوانی و پست خواند. در قسمتی از این مقاله آمده است: «حیات غرب بدون شک هم لذیذتر است و هم راحت‌تر، ولی از نظر انسانیت بهتر، والاتر و گرامی‌تر نیست. حیات غرب حیاتی است که زن در آن از هر قیدی رهاست. آری حیات غرب، حیات لذیذی است. لکن حیاتی است پست‌تر از حیوان، زیرا فقط غرایز جنسی دیده می‌شود. در غرب هیچ قیدی نیست و این را آزادی می‌نامند. بله آزادی است اما نه آزادی روح بلکه آزادی بدن، آزادی حیوانیت نه آزادی انسانیت» (عدالت اجتماعی در اسلام، سید قطب، ص 130)

شاید یکی از دلایل غرب‌ستیزی سید قطب همین مسئله اسلام آمریکایی باشد. همان‌طور که گفتیم ایشان اولین اندیشمند جهان اسلام که کلمه اسلام آمریکایی را مطرح کرد. او قائل بود دو اسلام وجود دارد یکی اسلام راستین و یکی اسلامی که آمریکا می‌خواهد. وی در این زمینه می‌نویسد: «این روزها آمریکاییها باز به فکر اسلام افتادند. آنها نیازمند اسلام هستند تا در خاورمیانه و کشورهای

اسلامی آسیا و آفریقا با کمونیسم بجنگند ... البته اسلامی که آمریکا و غربیهای استعمارگر و همپیمانان شان در خاورمیانه خواستار آن هستند، همان اسلامی نیست که با استعمار می-جنگد و با خودکامگیها مبارزه می-کند، بلکه فقط اسلامی است که با کمونیست مبارزه می-کند. زیرا آنها اسلامی نمی-خواهند که حکومت کند و اصولاً تحمل حکومت اسلامی را ندارند؛ چراکه وقتی اسلام حکومت یافت امتی دیگر تربیت و ایجاد می-کند و به ملتها می-آموزد که تهیه قدرت و نیرو واجب است و طرد و نفی استعمار فرض است و کمونیست هم مانند استعمار آفتی است و هر دو دشمن هستند و تجاوزکار».

وی درباره تقسیم جامعه به جامعه اسلامی و جاهلی می-گوید: «یا اسلام یا جاهلیت! حد وسطی وجود ندارد که نیمش اسلام و نیم دیگرش از جاهلیت باشد و اسلام آن را بپذیرد و بدان رضایت دهد. دیدگاه اسلام روشن است؛ حق واحد و تعدد ناپذیر است. حکم یا حکم خداست و یا حکم جاهلی است. قانون یا قانون خداست و یا هوا و هوس.»

این اندیشه سیاسی سید قطب ما را به یاد حضرت امام خمینی(ره) می-اندازد که فرمود: «حکومت یا طاغوت است یا اسلام».

سید قطب همچنین به مسئله صهیونیسم آگاه بود و آنرا خطری برای جوامع اسلامی می-دانست. سید از خطر یهود و صهیونیسم به کرات

صحبت می‌کرد. حتی چند روز قبل از اعدام به یکی از دوستانش گفته بود: «یهود خود را برای سلطه جهانی آماده می‌کند. همه مردم جهان مخصوصاً مسلمانان باید مراقب باشند». سید قطب نسبت به جنبش یهود و صهیونیسم شدیداً بدگمان بود و آن را عامل انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی می‌دانست. وی در این باره می‌نویسد: «معتقد هستم که هرکجا دعوتی برخلاف اخلاق و دعوت به بی‌عفتی و اشاعه فحشاء و ربا و جنگ است، دست صهیونیسم در کار است. کارل مارکس یهودی بود و از پشت پرده کمونیسم اخلاق و ادیان را کوبید. دورکهایم با نقاب جامعه‌شناسی و اخلاق در سازمان خانواده فضیلت و اخلاق را از میان برد و سارتر یهودی و یا نیمه یهودی از ماورای اگزیستانسیالیسم و احترام منتهی به حیوانیت فرد - و فروید یهودی از پشت منطق روانکاوی - غریزه جنسی را مرجع احساس دینی، هنری و خانوادگی دانست. اینها یک تصادف نیستند.

آثار و تألیفات سید قطب

سید قطب آثار ارزنده ای به جهان اسلام عرضه کرد و بسیاری از تألیفات او به زبان فارسی ترجمه شده است. آثاری که از او تاکنون به زبان فارسی ترجمه شده، چنین است:

1. آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
2. آینده در قلمرو اسلام، ترجمه علی خامنه ای.

3. اسلام و صلح جهانی، ترجمه و توضیح هادی خسروشاهی و زین

العابدین قربانی.

4. ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن، ترجمه علی خامنه ای و تصحیح حسن

نیری.

5. ترجمه فارسی فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل.

6. چرا اعدام کردند؟ ترجمه مصطفی اربابی.

7. دور نمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن، ترجمه غلامرضا

خسروی حسینی، مقدمه از جلال الدین مجتبوی.

8. عدالت اجتماعی در اسلام: مباحثی در زمینه های جامعه، اقتصاد،

سیاست و حکومت، ترجمه و توضیحات سیدهادی خسروشاهی و محمدعلی

گرامی.

9. فاجعه تمدن و رسالت اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی.

10. فی ظلال القرآن، ترجمه محمدعلی عابدی.

11. ما چه می گوئیم، ترجمه و تفصیل از هادی خسروشاهی.

12. نامه سید قطب به خواهرش آمنه، ترجمه جلال معروفیان.

13. نشانه های راه، ترجمه محمود محمودی.

14. ویژگی های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه محمد خامنه ای.

سیدقطب افزون بر این آثار، کتاب های دیگری نیز نوشته که در

زمان زندگی او چاپ شده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

1. الاسلام و مشکلات الحضاره، سید قطب.

2. التصوير الفنی فی القرآن، سید قطب.

3. هذا الدین، سید قطب.

4. خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، سید قطب.

5. مهمة الشاعر فی الحياه و شعر الجيل الحاضر، سید قطب.

6. الشاطئ المجهول، سيد قطب.
7. نقد كتاب مستقبل الثقافة فى مصر، سيد قطب.
8. الأطياف الاربعه، سيد قطب.
9. طفل من القرية، سيد قطب.
10. المدينة المسحوره، سيد قطب.
11. العدالة الاجتماعية فى الاسلام، سيد قطب..
12. معركة الاسلام و الرأسماليه، سيد قطب، بيروت، (اين كتاب توسط آيت الله سيد محمد شيرازى به زبان فارسى ترجمه شده و به نام «اسلام و سرمايه دارى» در تهران به چاپ رسیده است.)
13. السلام العالمى و الاسلام، سيد قطب.
14. تفسير فى ظلال القرآن، سيد قطب.

(8) سيد قطب و همكارى با اخوان-المسلمين

با شكلا-گيرى جمعيت إخوان-المسلمين در مصر، فصل جديدى از فعاليتهاى سياسى در اين کشور آغاز شد.

مقالات تند و صريح او در روزنامه-ها و انتقاد از سياست استعمارى انگلستان و ضرورت تشكيل دولت اسلامى باعث شد كه سيد قطب در سال 1945م. به همراه ديگر مجاهدان اخوان-المسلمين دستگير و به مدت 15 سال محكوم به زندان شود . اما 5 سال از زندانى شدن وى نگذشته بود كه به علت وخامت حالش از زندان آزاد شد.

با ادامه فعاليتهاى سيد قطب و تأثير افكار و آراى وى بر مردم به خصوص جوانان مصر و جهان عرب، سيد قطب در سال 1965م. مجدداً

دستگیر و زندانی شد. سید در تمام دوران بازجویی با شهادت تمام از افکار و عملکرد خود دفاع کرد به گونه‌ای که علناً خواستار برچیده شدن حکومت ظالم مصر شد. پس از اتمام بازجوییها، سید قطب و یارانش را به زندان منتقل کردند.

(9) شهادت

سرانجام پس از چهار ماه به دستور جمال عبدالناصر سید قطب و چند نفر از رهبران اخوان‌المسلمین به اعدام محکوم شدند. هنگامی که رأی دادگاه خوانده شد سید گفت: «من پیش از این هم می‌دانستم طبقه حاکم نمی‌خواهد من زنده بمانم. بار دیگر اعلام می‌کنم که نه پشیمان هستم و نه اظهار ندامت می‌کنم و نه از این رأی اندوهناکم؛ بلکه خوشحال و مسرورم که در راه هدف مقدس و ایده‌آلم کشته شده‌ام. البته تاریخ آینده درباره ما و حکومت داوری خواهد کرد که کدام یک از ما صادق و برحقیم».

سرانجام روز اعدام فرا رسید. 9/8/1966م. مطابق با 7/3/1345 ش. هنگام طلوع خورشید سید قطب و دوستانش به سوی جوخه اعدام هدایت شدند. سید سر بلند و با روی گشاده و خندان جمله‌ای به سربازان گفت که ترجمه‌اش شعر اقبال لاهوری است: نشان مرد مؤمن با تو

می‌گویم / که چون مرگش رسد خندان بمیرد.

سپس تفنگها به سوی وی نشانه گرفته شد و او با آوای صغیر
گلوله‌ها پرواز کرد و در سن 60 سالگی به شهادت رسید.

فهرست منابع و مآخذ

- 1- سید قطب از ولادت تا شهادت، صلاح عبدالفتاح خالدی، ترجمه جلیل بهرامی نیا، تهران، نشر احسان، 1380.
- 2- پیامبر و فرعون، ژیل کوری، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، 1375.
- 3- آیند در قلمرو اسلام، سید قطب، ترجمه سید علی خامنه ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377.
- 4- عدالت اجتماعی در اسلام، سید قطب، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، تهران، کلبه شروق، 1379.
- 5- دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1380.
- 6- ما چه می‌گوییم؟، سید قطب، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370

